

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق ، گروه حقوق عمومی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق (M.A.)

گرایش : حقوق عمومی

عنوان :

رابطه حقوق عمومی با ولی فقیه در نظام مبتنی بر ولایت فقیه

استاد راهنما :

دکتر ابراهیم عزیزی

پژوهشگر :

محمد انصاری

زمستان ۱۳۹۵



معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند بجان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادانشجویان و اعضاء هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تعهلی کلینیم:

- ۱- اصل برانت: التزام به برانت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلائند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و محافظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نهد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب محمد انصاری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۳۰۳۱۶۶۸۵ در رشته حقوق که در تاریخ ۹۵/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: رابطه حقوق عمومی با ولی فقیه در نظام مبتنی بر ولایت فقیه با کسب نمره ۱۷ و درجه خوب دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: محمد انصاری

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۵/۱۱/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای محمد انصاری از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۷ بحروف هفده و با درجه خوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:

مشکر و قدردانی:

از مادر و همسر عزیزم که زحمات حقیر را زیاد کرده اند

تقدیم به:

باتوجه به هم زمانی دفاع تحمیر با ایام شهادت صدیقه طاهره (س) این تحفه ناقابل تقدیم به ساحت

مقدس این خانم می گردد اگر چه می دانم بسیار ناچیز است

بسمه تعالی
دانشکده حقوق

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۰۸۹۴۲۰۵۱
عنوان پایان نامه: رابطه حقوق عمومی با ولی فقیه در نظام مبتنی بر ولایت فقیه		
نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد انصاری	تاریخ شروع پایان نامه: ۹۴/۱۲/۱۸	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۵/۱۱/۳۰
شماره دانشجویی: ۹۳۰۳۱۶۶۸۵		
رشته تحصیلی: حقوق عمومی		
استاد راهنما: دکتر ابراهیم عزیزی		
آدرس و شماره تلفن:		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):		
<p>امت اسلامی در روزگار غیبت به حال خود رها نبوده و یا سرنوشت آن به دست حکومت های طاغوتی سپرده نشده است. مهمترین هدف از تشکیل حکومت در اسلام، پیاده شدن احکام و دستورات شرع مقدس است و ایجاد و رعایت حقوق عمومی که ضامن سلامت جامعه و فرد است. از این رو باید گفت؛ تشکیل چنین حکومتی از حساسیت ویژه ای برخوردار است و هر کس نمی تواند متصدی آن باشد. یکی از موضوع های اصلی و اساسی در نظام سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق مردم و جایگاه رهبری جامعه است که پس از رحلت حضرت امام خمینی (ره) به وسیله نصب عام با همان اختیارات و وظایف به ولی فقیه عادل سپرده شده است که از آن به ولایت مطلقه فقیه تعبیر می شود و هدف آن، برطرف ساختن بن بست ها در اداره حکومت و تأمین مصالح و حقوق عمومی مردم و جامعه اسلامی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه پس از بازنگری به آن اشاره شده است. روشن ساختن حقوق مردم در جامعه و مفهوم ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی و بررسی اصول مرتبط با آن ضروری است تا منافع و مصالح ملت و حقوق حقه مردم از جمله کارآمدی نظام، سیاست های کلی، امنیت، نظارت و... تأمین شود و در راستای ولایت فقیه جامع عمل بهتر پوشیده شود.</p> <p>واژگان کلیدی: ولایت مطلقه فقیه، حقوق عمومی، ولی فقیه، نظارت پذیری، نهادهای زیر نظر رهبری</p>		

مناسب است

تاریخ و امضاء:

مناسب نیست

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	بخش اول : کلیات و مفاهیم
۵	فصل اول: مبنای ولایت فقیه
۷	مبحث اول: ادله ولایت فقیه
۷	گفتار اول: ادله عقلی
۸	گفتار دوم: ادله نقلی
۹	مبحث دوم: مفهوم فقهی حقوق عمومی
۱۰	گفتار اول: عناوین فقهی مرتبط با حقوق عمومی
۱۱	گفتار دوم: جایگاه قانون اساسی در فقه شیعه
۱۲	فصل دوم: ارتباط حقوق مردم با ولی فقیه در انتخاب یا انتصاب
۱۵	مبحث اول: برداشت از قانون اساسی
۱۶	مبحث دوم: گستره اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقه و تفاوت آن با قانون اساسی
۱۶	گفتار اول: دیدگاه فقها
۲۱	گفتار دوم: دیدگاه قانون اساسی
۲۲	بند اول: قبل از بازنگری سال ۶۸
۲۴	بند دوم: بعد از بازنگری سال ۶۸
۳۰	بخش دوم: نقش ولایت فقیه در قوه مقننه
۳۱	فصل اول: نسبت و ارتباط ولایت مطلقه فقیه با قانونمندی و نظارت بر اجرای قانون اساسی
۳۱	مبحث اول: نسبت ولایت فقیه با قانونمندی و قانون اساسی
۳۲	گفتار اول: تفسیر مضیق ولایت فقیه و نسبت آن با قانونمندی و قانون اساسی
۳۳	گفتار دوم: تفسیر موسع از ولایت مطلقه فقیه و نسبت آن با قانونمندی و قانون اساسی
۳۵	گفتار سوم: تفسیر معتدل از ولایت مطلقه فقیه و نسبت آن با قانونمندی و قانون اساسی
۳۵	مبحث دوم: ماهیت نظارت و ارتباط رهبری بر اجرای قانون اساسی
۳۷	فصل دوم: ارتباط و نظارت ولایت فقیه بر قوه مقننه
۳۹	مبحث اول: شورای نگهبان
۴۳	مبحث دوم : ارتباط و نظارت ولی فقیه بر همه پرسى
۴۵	فصل سوم : رابطه رهبری با سیاست های کلی ابلاغی نظام
۴۸	مبحث اول: نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام
۵۰	مبحث دوم: نقش شورای نگهبان در فرایند نظارت بر سیاست های کلی ابلاغی

مبحث سوم: موادی از سیاست های کلی ابلاغی رهبری در موضوعات مختلف در حیطه قانون گذاری (والبته در برخی موارد مشترک با سایر قوا و نهادها).....	۵۱
بخش سوم : نقش ولایت فقیه در قوه مجریه.....	۵۳
فصل اول: ماهیت حکم ریاست جمهوری.....	۵۵
مبحث اول: جایگاه حقوقی تنفیذ و نسبت آن با تنفیذ.....	۵۶
مبحث دوم: قلمرو زمانی یا خصوصیت مادامی و نه دائمی تنفیذ.....	۵۹
گفتار اول : عزل رئیس جمهور.....	۶۰
گفتار دوم : قبول استعفای رئیس جمهور.....	۶۱
فصل دوم: ارتباط و نظارت ولی فقیه بر قوه مجریه.....	۶۳
مبحث اول: ارتباط و نظارت رهبری بر صدا و سیما.....	۶۴
مبحث دوم : فرماندهی کل نیروهای مسلح.....	۶۵
گفتار اول : عزل و نصب فرماندهی عالی نیروهای مسلح.....	۶۶
گفتار دوم: اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.....	۶۶
مبحث سوم: موادی از سیاست های کلی ابلاغی رهبری در موضوعات مختلف در حیطه قوه مجریه (والبته در برخی موارد مشترک با سایر قوا و نهادها).....	۶۷
فصل سوم: رابطه ولی فقیه با سیاست خارجه.....	۷۳
مبحث اول: سیاست خارجه در سطح منطقه ای و امتهای اسلامی و بین الملل.....	۷۵
گفتار اول : رابطه ی اقتدار و ضدیت با نظام سلطه.....	۷۷
گفتار دوم : تداوم انقلاب اسلامی در سیاست خارجه.....	۷۸
بخش چهارم: نقش ولایت فقیه در قوه قضائیه.....	۸۱
فصل اول : رابطه ولی فقیه با محاکم دادگستری و ریاست قوه.....	۸۴
مبحث اول: عزل و نصب رئیس قوه قضائیه.....	۸۶
مبحث دوم: عفو و تخفیف مجازات محکومین.....	۸۷
مبحث سوم: جایگاه فرامین ولی فقیه و مهم ترین مطالبات ولی فقیه از قوه قضائیه.....	۸۸
گفتار اول: نباید آبروی افراد بازیچه قرار بگیرد.....	۹۱
بند اول: احکام باید متقن باشد.....	۹۱
بند دوم: موقت بودن بازداشت باید رعایت شود.....	۹۲
گفتار دوم: عدم تزلزل خود را در برخورد با مفاسد اقتصادی.....	۹۲
بند اول: پرونده ها به دور از جنجال رسیدگی شوند.....	۹۳
بند دوم: در مقابل مجرمی که وابسته به جریان های سیاسی است کوتاه نیاید.....	۹۳
فصل دوم : ارتباط و نظارت ولی فقیه بر قوه قضائیه.....	۹۴
مبحث اول: نظارت غیر مستقیم ولی فقیه توسط قوه قضائیه بر اعمال قوه مجریه.....	۹۵

مبحث دوم: موادی از سیاست های کلی ابلاغی رهبری در موضوعات مختلف در حیطه قوه قضائیه (والبته در برخی موارد مشترک با سایر قوا و نهادها).....	۹۶
بخش پنجم: ارتباط ولی فقیه با همبستگی ملی و کارآمدی نظام و سایر سازمان ها و نهادهای خارج از قوه.....	۹۸
فصل اول: نحوه ارتباط ولی فقیه با نهادهای تحت نظر.....	۱۰۰
مبحث اول: نهادهای زیر نظر رهبری و ملاک تشخیص آن ها.....	۱۰۱
گفتار اول: نظارت پذیری نهاد های زیر نظر رهبری.....	۱۰۵
گفتار دوم: رویه قانون گذاری در نهاد های زیر نظر رهبری.....	۱۰۵
مبحث دوم: رابطه ولی فقیه با شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۱۰۷
گفتار اول: جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۱۰۸
گفتار دوم: ارتباط حقوقی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با ولی فقیه.....	۱۰۸
مبحث سوم: نقش و ارتباط ولی فقیه در مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۱۱۰
گفتار اول : جایگاه حقوقی و وظائف مجمع تشخیص مصلحت نظام.....	۱۱۱
گفتار دوم: نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون گذاری.....	۱۱۳
مبحث چهارم: مفهوم امنیت و رابطه آن با ولی فقیه.....	۱۱۶
گفتار اول: نقش موثر ولی فقیه در شورای عالی امنیت ملی.....	۱۱۸
گفتار دوم: سیاست گذاری امنیتی.....	۱۱۸
فصل دوم: نظارت پذیری ولایت فقیه در مجلس خبرگان رهبری و در قانون اساسی.....	۱۲۱
مبحث اول: جایگاه و وظایف خبرگان رهبری.....	۱۲۱
گفتار اول: نظارت مجلس خبرگان بر رهبری.....	۱۲۴
گفتار دوم: کمیسیون تحقیق و نظارت بر رهبری.....	۱۲۵
مبحث دوم: حدود و نحوه نظارت بر ولایت فقیه.....	۱۲۷
گفتار اول: نظارت حداقلی.....	۱۲۸
گفتار دوم: نظارت حداکثری.....	۱۲۹
گفتار سوم: نظارت حد وسط و منطقی.....	۱۳۱
گفتار چهارم: سازو کارهای نظارت بر رهبری در قانون اساسی.....	۱۳۳
بند اول: امر به معروف و نهی از منکر:.....	۱۳۳
بند دوم: نظارت مالی.....	۱۳۳
بند سوم: نظارت قضایی.....	۱۳۴
فصل سوم: رابطه و نقش ولی فقیه در ایجاد همبستگی ملی و کارآمدی نظام.....	۱۳۵
مبحث اول : حکم حکومتی.....	۱۳۷
مبحث دوم: نقش ولی فقیه در کارآمدی نظام.....	۱۳۹
گفتار اول: کارآمدی ولایت فقیه در فرایند قیام و طراحی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۱۴۰

بند اول: نقش ولی فقیه در تداوم سیاست‌های نظام اسلامی و تعیین اصول بنیادین کشور	۱۴۱
بند دوم: نقش ولی فقیه در کارآمدی و تحقق و حفظ دستاورد های انقلاب اسلامی	۱۴۲
بند سوم: کارآمدی ولایت فقیه در هدایت و فراخوانی آحاد مردم در عرصه‌های مختلف	۱۴۳
مبحث سوم: جایگاه حقوقی و سیاسی «هیأت عالی حل اختلاف»	۱۴۴
نتیجه گیری	۱۴۸
منابع و مأخذ	۱۵۴
منابع فارسی	۱۵۴

مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت، الهی است و اسلام نیز همواره برای انسان برنامه مشخصی دارد و به دلیل داشتن کاربردی اجتماعی نمی تواند نسبت به ابزارهای اجرایی جامعه؛ مانند تشکیل حکومت بی تفاوت باشد، به علاوه بسیاری از احکام اسلام به گونه ای است که تنها در سایه حکومت، قابل اجرا است و عدم رضایت شارع به تعطیلی اجرای آنها اجماعی است و طبق قانون اساسی این حاکمیت از طریق قوانین الهی و رهبری الهی (ولایت فقیه) اعمال می شود. رسالت قانون اساسی، عینیت بخشیدن به زمینه های اعتقادی جامعه است. بر همین اساس در اصل دوم آن، پایه های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی برشمرده شده است. پیش بینی مقام ولایت امر و رهبری امت در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را یک نظام منحصربه فرد و خاص کرده است. اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقام ولایت امر را ناظر و مشرف بر قوای سه گانه می داند. اصل مذکور تصریح دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت هستند از: قوه ی مقننه، قوه ی مجریه و قوه ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امام امت، بر طبق اصول آینده ی این قانون اعمال می گردند، این قوا مستقل از یکدیگر هستند.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین مسأله نوع حکومت بود که با پاسخ مثبت مردم به همه پرسشی نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، شکل و محتوای این نظام مورد پذیرش قرار گرفت. طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی قدس سره ارائه شد، انگیزه مشخص و منسجم جدیدی را در مردم مسلمان ایجاد نمود. پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نیز قانون اساسی بیانگر نهادها، مناسبات و روابط سیاسی، اجتماعی، تحکیم پایه های اساسی حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی اسلامی گردید و از سویی ضرورت قانون برای جامعه یا لزوم قانون مندی اداره سیاسی یک جامعه و نیز ضرورت حکومت امری بدیهی است.

حاکمیت یک فقیه وارسته به عنوان نائب امام معصوم (ع) ضرورت قانون در جامعه را نفی نمیکنند. زیرا مردم، باید بدانند که با چه قانون و حقوقی روبرو هستند؛ رهبری چگونه میخواهد جامعه را اداره کند و این امور معمولاً در قانون اساسی یک کشور منعکس میشود. آیا راهکارهای نظارت در آن با آن چه در نظام غربی تعبیه شده، یکسان است یا تفاوت دارد و آیا ولی فقیه تضمین کننده حقوق مردم خویش میباشد.

هدف اصلی از وضع تفکیک قوا، تقسیم کار و وظایف حکومت و جلوگیری از تمرکز قدرت است، حال نکته شایان توجه آن است که آیا در جمهوری اسلامی ایران، نظارت رهبری بر قوای سه گانه بر اساس اصل ۵۷ چگونه است؟ آیا فقیه حاکم نیز مانند سایر آحاد جامعه مشمول اصل قانونمندی می شود؟ به عبارت دیگر، با فرض برخورداری فقیه حاکم از ولایت مطلقه، آیا باید در چارچوب قوانین موضوعه اعمال ولایت نماید یا وی از این امر مستثنی است؟ ماهیت و نوع نظارت رهبری در قانون اساسی چگونه تعریف شده است؟ نظارت رهبری بر اعمال حکومت، نظارتی حقوقی است یا سیاسی؟ شیوه نظارت رهبری بر اعمال حکومت استصوابی است یا استطلاعی؟ نظارت مطلقه رهبری با نظارت سایر نهاد های ناظر در قانون اساسی، چگونه قابل جمع است؟ قلمرو نظارت رهبری بر اعمال حکومت مطلق است، یا محدود به اصول قانون اساسی؟ آیا اصولاً نظام دینی در قالب نظام ولایت فقیه در فقه سیاسی، نظامی پاسخگوست یا خیر؟

ولی فقیه چه نقشی در ایجاد همبستگی ملی و حل بحران ها می تواند ایفاء کند؟ آیا یک نظام مبتنی بر ولایت فقیه نظامی کارآمد میباشد؟ آیا امضای ولی فقیه بر تنفیذ حکم ریاست جمهوری یک وظیفه است یا اختیار؟ پرسش دیگر این است که «آیا فقیه حاکم مجاز است اقدامات غیرقانونی انجام دهد؟»؛ یعنی بر خلاف ساز و کار قانون اساسی اقدام نماید؟ مانند این که در حوزه اختیارات رئیس قوه مجریه ورود پیدا کند و مثلاً وزیری را مستقیماً عزل نماید. یا قانونگذاری را که بر عهده قوه مقننه است کلاً یا جزئاً خود بر عهده بگیرد؟ نقش رهبری در تداوم انقلاب اسلامی چگونه میباشد؟ نهادها و

مجموعه های منتسب به رهبری به چه شکلی عمل می کنند؟ آیا نظارتی بر اعمال آنان صورت میگیرد و جایگاه حقوقی آنها به چه نحوی در قانون میباشد؟

اینها همه سوال هایی است که ذهن نگارنده را برای پاسخ به آن با کمک و استفاده از اصول مندرج در قانون اساسی در پی پاسخی صحیح میباشد که در بخش اول به کلیات بحث پرداخته و در بخش های بعدی به ارتباط سایر قوا و نهادهای خارج از آن با ولی فقیه می پردازم.

سوال اصلی: نقش و جایگاه ولایت فقیه چه کمک و تاثیری در حقوق عمومی میتواند داشته باشد؟ فرضیه تحقیق: به نظر میرسد بین ولی فقیه از جهت منتصب شدن ایشان (از باب شرائط ایشان) با حقوق عمومی رابطه مثبتی میتوان برقرار کرد.

روش تحقیق: بخش اصلی از مطالعه به روش مراجعه به اصول قانون اساسی و به روش اسنادی (کتابخانه ای) میباشد.

بخش اول :

کلیات و مفاهیم

فصل اول: مبنای ولایت فقیه

شیعیان تا زمانی که امیدی به تشکیل حکومت نداشتند به طور ارتکازی و با الهام گرفتن از امثال روایات عمر بن حنظله و ابو خدیجه و توقیع صادر از ناحیه مقدسه، نیازهای روزمره خو را با رجوع به فقهای بلاد برطرف می کردند و در واقع، فقهای واجد شرایط را نواب عام امام عصر – عجل الله فرجه الشریف – می شمردند در برابر نواب خاص در زمان غیبت صغری. ولی از هنگامی که بعضی از حکام شیعه اقتداری یافتند مسئله ولایت فقیه در زمان غیبت کبری به صورت جدیتری مطرح شد و با گسترش این مباحث در میان توده ها حکام و سلاطین شیعه برای مشروع جلوه دادن حکومتشان کوشیدند که موافقت فقهای بزرگ را به دست آورند و حتی گاهی رسماً از آنان استیذان می کردند و متقابلاً فقها هم این فرصت ها را برای نشر معارف اسلامی و ترویج مذهب تشیع معتنم می شمردند ولی ظاهراً در هیچ عصری هیچ سلطانی حاضر به تحویل دادن قدرت به فقیه واجد شرایط نبوده چنان که هیچ فقیهی هم امیدی به دست یافتن به چنین قدرتی نداشته است و در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که عملاً ولایت فقیه به معنای واقعی کلمه تحقق یافت و نیاز به بررسی های دقیق پیرامون مبنای و فروع آن آشکار گشت.

مهم ترین مسئله مبنایی این است که ملاک مشروعیت ولایت فقیه چیست؟ و شکل فنی دلیل آن کدام است؟ زیرا با دادن پاسخ روشن و دقیق به این سوال است که می توان جواب مسائل فرعی و از جمله سوال های مطروح در آغاز بحث را به دست آورد.

در این جا به دو مبنای اساسی می توان اشاره کرد:

مبنای اول: مشروعیت ولایت و حکومت فقیه، از ولایت تشریحی الهی سرچشمه می گیرد و اساسا هیچ گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی، مشروعیت نمی یابد و هرگونه مشروع دانستن حکومتی جز از این طریق، نوعی شرک در ربوبیت تشریحی الهی به شمار می رود. به دیگر سخن، خدای متعال، مقام حکومت و ولایت بر مردم را به امام معصوم عطا فرموده، و اوست که فقیه واجد شرایط را - چه در زمان حضور و عدم بسط ید و چه در زمان غیبت - نصب کرده است و اطاعت از او در واقع، اطاعت از امام معصوم است چنان که مخالفت با او مخالفت با امام و به منزله انکار ولایت تشریحی الهی است: و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله. (وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸ اصول کافی، ص ۶۷ تهذیب، ج ۲، ص ۲۱۸ و ۳۰۱)

مبنای دوم: شارع مقدس تنها به امام معصوم، حق ولایت داده است و طبعا اعمال آن، اختصاص به زمان حضور وی خواهد داشت و اما در زمان غیبت باید مردم بر اساس قواعد کلی مانند اوفوا بالعقود و المسلمون عند شروطهم یا احیاناً..... - در صورتی که چنین دلایلی یافت شود - کسی را که شایسته حکومت است انتخاب کرده با او بیعت کنند نظیر آنچه اهل تسنن در باره حکومت بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) معتقدند. حداکثر این است که شارع، شرایط حاکم صالح را بیان کند و مسلمانان موظف باشند که در بیعتشان شرط کنند که حاکم طبق دستورهای اسلام عمل کند و تعهد به اطاعت مطلق به منزله شرط خلاف شرع در ضمن عقد است و اعتباری ندارد. طبق این مبنا، ملاک مشروعیت ولایت فقیه قراردادی است که با مردم منعقد می کند و در واقع، بیعت است که نقش اساسی را در مشروعیت بخشیدن به ولایت فقیه ایفا می کند.

به نظر می رسد که مرتکز در اذهان شیعه و مستفاد از سخنان فقها همان مبنای اول است و تعبیرات وارده در روایات شریفه کاملا آن را تایید می کند و در واقع آنچه موجب طرح نظریه دوم شده یا گرایش به دموکرات مآبی غربی است که متأسفانه در کشورهای اسلامی هم رواج یافته است و یا بیان یک دلیل جدلی برای اقناع و الزام مخالفان است چنان که در بیانات امیرمومنان (ع) خطاب به معاویه

در مورد اعتبار بیعت مهاجرین و انصار آمده است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، و نامه ۶ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۷) به هر حال، ما مسائل مورد نظر را بر اساس هر دو مبنا مورد بررسی قرار می دهیم ولی قبل از پرداختن به آن، لازم است توضیحی درباره اصل نظریه ولایت فقیه و مفاد ادله آن بدهیم.

مبحث اول: ادله ولایت فقیه

دلیل اثبات ولایت برای فقیه جامع شرایط به دو بخش کلی تقسیم می شود: عقلی و نقلی.

گفتار اول: ادله عقلی

با توجه به ضرورت وجود حکومت برای تامین نیازمندی های اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج و فساد و اختلال نظام، و با توجه به ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام و عدم اختصاص آن ها به زمان حضور پیامبر و امامان با دو بیان می توان ولایت فقیه را اثبات کرد: یکی آن که هنگامی که تحصیل مصلحت لازم الاستیفایی در حد مطلوب و ایدآل، میسر نشد باید نزدیک ترین مرتبه به حد مطلوب را تامین کرد. پس در مسئله مورد بحث هنگامی که مردم از مصالح حکومت امام معصوم، محروم بودند باید مرتبه تالیه آن را تحصیل کنند یعنی حکومت کسی را که اقرب به امام معصوم باشد بپذیرند. و این اقربیت در سه امر اصلی، متبلور می شود: یکی علم به احکام کلی اسلام (فقاہت)، دوم شایستگی روحی و اخلاقی به گونه ای که تحت تاثیر هواهای نفسانی و تهدید و تطمیع ها قرار نگیرد (تقوی) و سوم کارآیی در مقام مدیریت جامعه که به خصلت های فرعی از قبیل درک سیاسی و اجتماعی، آگاهی از مسائل بین المللی، شجاعت در برخورد با دشمنان و تبهکاران، حدس صائب در تشخیص اولویت ها و اهمیت ها و ... قابل تحلیل است.

پس کسی که بیش از سایر مردم، واجد این شرایط باشد باید زعامت و پیشوایی جامعه را عهده دار شود و ارکان حکومت را هماهنگ نموده به سوی کمال مطلوب سوق دهد و تشخیص چنین کسی طبعاً به عهده خبرگان خواهد بود چنان که در سایر شئون زندگی اجتماعی چنین است.

بیان دوم آن که ولایت بر اموال و اعراض و نفوس مردم از شئون ربوبیت الهی است و تنها با نصب و اذن خدای متعال، مشروعیت می یابد و چنان که معتقدیم این قدرت قانونی به پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم داده شده است اما در زمانی که مردم عملاً از وجود رهبر معصوم، محروم اند یا باید خدای متعال از اجرای احکام اجتماعی اسلام، صرف نظر کرده باشد یا اجازه اجرای آن را به کسی که اصلح از دیگران است داده باشد تا ترجیح مرجوع و نقض غرض و خلاف حکمت لازم نیاید و با توجه به باطل بودن فرض اول، فرض دوم ثابت می شود یعنی ما از راه عقل، کشف می کنیم که چنین اذن و اجازه ای از طرف خدای متعال و اولیای معصوم، صادر شده است حتی اگر بیان نقلی روشنی در این خصوص به ما نرسیده باشد و فقیه جامع الشرایط همان فرد اصلحی است که هم احکام اسلام را بهتر از دیگران می شناسد و هم ضمانت اخلاقی بیشتری برای اجرای آنها دارد و هم در مقام تامین مصالح جامعه و تدبیر امور مردم کارآمدتر است. پس مشروعیت ولایت او را از راه عقل، کشف می کنیم چنان که بسیار از احکام فقهی دیگر به ویژه در مسائل اجتماعی مانند واجبات نظامیه به همین طریق (دلیل عقلی) ثابت می شود.

گفتار دوم: ادله نقلی

عبارت است از روایاتی که دلالت بر ارجاع مردم به فقها برای رفع نیازهای حکومتی (به ویژه مسائل قضایی و منازعات) دارد یا فقها را به عنوان امان یا خلفا و وارثان پیامبران و کسانی که مجاری امور به دست ایشان است معرفی کرده است و بحث های فراوانی در باره سند و دلالت آن ها انجام گرفته که در این جا مجال اشاره به آن ها نیست و باید به کتاب ها و رساله های مفصل مراجعه کرد. در میان آن ها مقبوله عمر بن حنظله و مشهوره ابو خدیجه و توفیق شریف، بهتر قابل استناد است و تشکیک در سند چنین روایاتی که از شهرت روایتی و فتوایی برخوردارند روا نیست و دلالت آن ها بر نصب فقها به عنوان کارگزاران امام مقبوض الید روشن است و اگر احتیاج به چنین نصبی در زمان غیبت بیشتر نباشد کم تر نخواهد بود پس به دلالت موافقه نصب فقیه در زمان غیبت هم ثابت می شود.